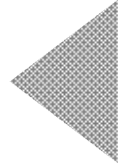


# تحلیل تاریخی موانع توسعه صنعتی ایران



سیروس احمدی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت ۹۴/۵/۱۲ - تاریخ تصویب ۹۴/۱۰/۱۶)

## چکیده

یکی از اساسی‌ترین سؤالات در محافل علمی و عمومی ایران این است که چرا این کشور نتوانسته است به توسعه صنعتی دست یابد؟ اگر چه در تبیین موانع توسعه ایران، تحقیقات متعددی انجام شده اما صنعتی شدن به عنوان محور توسعه، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اساسی پژوهش حاضر این است که با تمرکز بر دوره تاریخی شکل‌گیری انقلاب صنعتی در نیمه دوم قرن هیجدهم به این سو، موانع توسعه صنعتی ایران را بررسی و به سؤالات زیر پاسخ دهد. اول، آیا توسعه‌نیافتگی صنعتی ایران ریشه در موانع خارجی دارد؟ دوم، آیا توسعه‌نیافتگی صنعتی ایران ناشی از موانع داخلی است؟ سوم، آیا توسعه‌نیافتگی صنعتی ایران ناشی از سیاست‌گذاری‌های دولت‌های قاجار است یا دولت‌های بعد نیز در آن شریک‌اند؟ براساس یافته‌های تحقیق که با استفاده از روش تاریخی انجام شده است، دولت‌های استعمارگر در قرن نوزدهم از طریق محدود کردن فعالیت سرمایه‌داران ایرانی در حوزه‌های مهم صنعتی، ورشکسته کردن صنایع داخلی، سوق دادن اقتصاد کشور به سمت تولید مواد اولیه و خام و محروم کردن

ایران از دریافت بخش قابل توجهی از درآمدهای نفتی در یک دوره بلندمدت، نقش مهمی در توسعه نیافتگی صنعتی ایران دارند. اما پازل توسعه نیافتگی صنعتی ایران، از طریق موانع داخلی به ویژه سیاست گذاری‌های نامناسب دولت‌ها همچون فقدان برنامه در کمک به رشد بورژوازی، اتکاء به مواد اولیه به ویژه درآمدهای بی‌دردسر نفت، واردات بی رویه کالاهای مصرفی و واسطه‌ای، اصرار بر سیاست جانشینی واردات کالا، ناتوانی در جذب سرمایه‌های خارجی و هزینه‌های بالای نظامی، تکمیل می‌شود. یافته‌های تحقیق همچنین بیانگر این هستند که اگر چه قاجارها زمینه‌ساز توسعه نیافتگی صنعتی ایران بودند، اما دولت‌های پس از قاجار نیز در توسعه نیافتگی صنعتی ایران نقش پررنگی داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** توسعه صنعتی، موانع داخلی، موانع خارجی، ایران.

#### مقدمه

انقلاب صنعتی قرن هیجدهم در بریتانیا و کارآمدی محسوس اقتصاد صنعتی انگلستان باعث گردید توسعه صنعتی، مورد توجه کشورهای مختلف جهان قرار گیرد. از آن زمان تا کنون، تنها تعداد معدودی از کشورها توانسته‌اند به توسعه صنعتی دست یابند و تعداد زیادی از کشورها عملاً توفیقی در این زمینه نیافته‌اند. صنعتی شدن از نظر تاریخی عبارت است از انتقال از اقتصاد کشاورزی به اقتصادی که تولید کارخانه‌ای شیوه اصلی معیشت است (هدلی، ۲۰۰۰: ۱۳۱۷). به اعتقاد هدلی (۲۰۰۰: ۱۳۱۸) صنعتی شدن دارای پنج بعد اساسی است. اول، فعالیت اقتصادی یا کاری که مردم برای زندگی انجام می‌دهند. براساس این بعد، به این نکته توجه می‌شود که چه درصدی از نیروی کار در تولیدات صنعتی هستند؟ دوم، برونداد اقتصادی یا کالاهای واقعی که مردم تولید می‌کنند. این بعد، دارای چهار شاخص تولید صنعتی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، صنعت به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، برونداد ناخالص هر شاغل در تولید صنعتی و درآمدهای هر فرد شاغل در تولید صنعتی است. سوم، سازمان یا شیوه‌ای که فعالیت اقتصادی ساماندهی می‌شود. این بعد، دارای دو شاخص حقوق و مزایای معاش‌بگیران به عنوان درصدی از نیروی کار و تعداد بنگاه‌های تولیدی با بیش از پنجاه نفر نیروی کار است. چهارم، ماشینی شدن یا انرژی و منبع قدرت مورد استفاده. این بعد دارای دو شاخص سرانه

مصرف انرژی در بخش تجاری و ارزش کل سوخت‌ها و انرژی الکتریکی هر کارگر در تولید صنعتی است. پنجم، فناوری یا روش‌های سیستماتیک و اعمال نوآورانه در انجام کار. این بعد دارای سه شاخص درصد کارگران فنی و حرفه‌ای در نیروی کار، سرانه حقوق انحصاری ثبت شده معتبر و سرانه طرح‌های صنعتی ثبت شده معتبر است. با توجه به شاخص‌های فوق، کشورهای توسعه یافته، کاملاً صنعتی هستند، چرا که تقریباً یک سوم نیروی کارشان در صنعت مشغول‌اند و سه پنجم در بخش خدمات. تولید صنعتی‌شان، تقریباً یک چهارم تولید ناخالص داخلی را در بر می‌گیرد. اکثر کارگران‌شان در سازمان‌ها شاغل‌اند. مصرف انرژی تجاری بالا و ۵۱۰۰ کیلوگرم نفت به ازاء هر نفر است. کارگران فنی و حرفه‌ای بالغ بر ۱۵ درصد نیروی کار را شامل می‌شوند و بالاخره بیش از ۹۵ درصد پذیرش حق امتیاز و هزینه‌های جواز مربوط به آنها است. در نقطه مقابل، هیچ یک از کشورهای کمتر توسعه یافته، کاملاً صنعتی نیست. اگرچه بر مبنای تولید صنعتی که عمدتاً سنتی است، بخش مهمی از این کشورها، برون‌داد اقتصادی قابل توجهی دارند اما بر مبنای دیگر شاخص‌ها اکثر آنها موقعیت صنعتی کسب نمی‌کنند. اهمیت صنعتی شدن برای کشورهای مختلف به سبب نقش محوری صنعتی شدن در توسعه است (روستو، ۱۹۶۰: ۳۰. کیچینگ، ۱۹۸۲: ۶). شاهد اساسی این مدعا، گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد (۲۰۱۲) است که با استناد به سه شاخص امید زندگی، نرخ باسوادی و درآمد سرانه، نشان می‌دهد که کشور برتر، صنعتی، و ده کشور آخر، غیر صنعتی هستند. در بین ده کشور برتر هیچ کشور غیرصنعتی و در بین ده کشور آخر هیچ کشور صنعتی دیده نمی‌شود.

ایران یکی از کشورهایی است که علیرغم تلاش‌های طولانی مدت برای صنعتی شدن، هنوز موفق به این امر نشده و ساختار اقتصادی آن همچنان وابسته به درآمدهای نفتی است. در تبیین موانع توسعه در ایران، دیدگاه‌ها و مباحث متعددی مطرح شده‌اند (بنانی، ۱۹۶۱؛ اشرف، ۱۳۵۹؛ عظیمی، ۱۳۷۱؛ زیباکلام، ۱۳۷۴؛ سیف‌اللهی، ۱۳۷۴؛ آبراهامیان، ۱۳۷۶؛ کاتوزیان، ۱۳۷۷؛ لهسایی‌زاده و عبداللهی، ۱۳۸۱؛ علمداری، ۱۳۸۵) اما موانع توسعه صنعتی ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر این است موانع توسعه صنعتی ایران از دوره ظهور انقلاب صنعتی در نیمه دوم قرن هیجدهم به این سو را بررسی و نقش موانع بیرونی و درونی را مورد واکاوی قرار دهد.

## روش‌شناسی

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع با روش تاریخی انجام شده است. تحقیق تاریخی با استفاده از اسناد و مدارک انجام می‌شود تا از این طریق بتوان ویژگی‌های عمومی و مشترک پدیده‌ها و حوادث تاریخی و دلایل بروز آنها را تبیین کرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶). تحقیق تاریخی به دلیل عدم حضور محقق در صحنه واقعه، مبتنی بر اسناد و مدارک است (گال و همکاران، ۱۳۸۶). در تحقیق تاریخی بر خلاف سایر روش‌های تحقیق، به یافتن داده‌ها پرداخته می‌شود نه تولید داده‌ها (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶). بر همین اساس، نکته اساسی در تحقیقات تاریخی، اعتبار اسناد و مدارک مورد بررسی است. در تحقیق حاضر پژوهشگر با مراجعه و مشورت با همکاران متخصص و نقد بیرونی و درونی منابع داده‌ها، تلاش کرده است منابع مورد استفاده از اعتبار قابل قبولی برخوردار باشند.

## یافته‌های تحقیق

با بررسی اسناد و مدارک موجود در دوره مورد بررسی و جمع‌بندی آنها می‌توان اساساً از موانع عمده زیر بر سر راه توسعه صنعتی ایران سخن گفت.

## نفوذ دولت‌های استعمارگر در اقتصاد ایران

به دنبال شکست‌های نظامی ایران از روسیه و تحمیل قراردادهای گلستان (۱۸۱۳) و ترکمنچای (۱۸۲۸) بر ایران و نیز معاهده بازرگانی ایران و انگلیس در سال ۱۸۴۱، نفوذ دولت‌های استعمارگر در امور اقتصادی ایران افزایش یافت. اما از اواسط قرن نوزدهم به واسطه امتیازات گسترده‌ای که از دولت ایران گرفتند که حداقل ۳۵ مورد از آنها همراه با پرداخت رشوه‌های کلان به مقامات ایرانی بود (آدمیت، ۱۳۸۵: ۳۴۹)، نفوذ آنان در امور اقتصادی ایران تشدید شد. انگلیسی‌ها در سال ۱۸۶۲ امتیاز ایجاد خطوط تلگرافی را دریافت کردند، دو سال بعد روس‌ها نیز امتیازی مشابه کسب کردند. روس‌ها در سال ۱۸۶۹ امتیاز بهره‌برداری انحصاری صید ماهی در آب‌های شمال ایران را گرفتند. انگلیسی‌ها در سال ۱۸۷۲ در قالب امتیاز رویتز، کشیدن راه‌آهن از دریای خزر تا خلیج فارس، استخراج معادن، تأسیس بانک، ساخت آسیاب، کارخانجات، راه، کشیدن تلگراف و اداره گمرکات را به مدت ۲۵ سال در اختیار گرفتند. پادشاه ایران با اعتراض

روس‌ها به امتیاز رویتر در سال ۱۸۷۴ امتیاز تأسیس خط آهن را به روس‌ها واگذار کرد. به علاوه، در سال ۱۸۷۸ قزاقخانه را به دولت روس واگذار و به استخدام افسران روسی برای لشکر قزاق پرداخت. در سال ۱۸۸۸ انگلیسی‌ها امتیاز کشتیرانی در کارون را به دست آوردند و در سال ۱۸۸۹ امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی با حق انحصاری انتشار اسکناس را به کسب کردند. در سال ۱۸۹۰ روس‌ها امتیاز تأسیس بانک استقراضی را از دولت ایران گرفتند. در همین سال انگلیسی‌ها امتیاز تولید، فروش و صادرات توتون و تنباکو را به دست آوردند و در سال ۱۹۰۱ امتیاز استخراج و بهره‌برداری از نفت را به خود اختصاص دادند. به سبب این امتیازات که تعداد آنها ۸۳ مورد است، تجارت خارجی ایران در دوره قاجار در عمل در دست دولت‌های بزرگ قرار گرفت (احمدی، ۱۳۹۲: ۲۶۷).

نفوذ دولت‌های بزرگ در اقتصاد ایران چهار پیامد عمده داشت. اول، دولت‌های بزرگ امکان فعالیت سرمایه‌داران ایرانی در برخی حوزه‌های صنعتی مانند ارتباطات، راه آهن، معادن، کبریت‌سازی، شکر، شیشه‌سازی و غیره را به دلیل دارا بودن حق انحصاری، تا حدود زیادی مسدود کردند. دوم، دولت‌های بزرگ با ترویج گسترده کالاهای خود در بازار ایران، صنایع ایران به ویژه صنعت دستی را به دلیل عدم توانایی در رقابت، در معرض نابودی و ورشکستگی قرار دادند. کنسول آگانور<sup>۱</sup> در اواخر قرن نوزدهم از اصفهان گزارش کرد، بیشتر صنایع محلی به تدریج در حال از بین رفتن هستند، چون اقلام وارداتی بسیار ارزان‌تر از تولیدات محلی است (سیف، ۱۳۷۳: ۳۱۶). یک عامل اساسی ارزانی کالاهای خارجی، معافیت‌های گمرکی و عدم پرداخت حق راهداری از سوی تجار و بازرگانان خارجی و محرومیت تجار ایرانی از این امر بود. سوم، دولت‌های بزرگ به دلیل نیاز به مواد اولیه، به تدریج ایران را به سمت تولید مواد اولیه و خام سوق دادند. به عنوان مثال، با کاهش تولید پنبه در اواسط قرن نوزدهم در نتیجه جنگ‌های داخلی آمریکا و نیاز آنها به تأمین پنبه برای فعالیت صنایع یا به دلیل سود هنگفتی که از فروش تریاک به دست می‌آمد، کشت پنبه و تریاک را در ایران مورد تشویق قرار دادند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۶۶). به طور طبیعی، سرمایه‌داران ایرانی که قادر به رقابت در حوزه تولیدات صنعتی نبودند، ترجیح می‌دادند، سرمایه‌های خود را به این بخش انتقال دهند زیرا هم

خریدار مطمئن وجود داشت و هم خطر ورشکستگی کاهش می‌یافت. چهارم، دولت‌های بزرگ با کنترل درآمد نفت ایران که از ۱۹۰۸ مورد بهره برداری قرار گرفت، مانع از کاربرد نفت در توسعه بخش صنعت ایران شدند. انگلستان تا سال ۱۳۱۲ تنها ۱۶ درصد از سود خالص شرکت نفت را به دولت ایران می‌پرداخت که با قرارداد ۱۳۱۲ به ۴ شلینگ در ازاء هر بشکه نفت تغییر یافت. به دلیل اجحاف بزرگی که استعمار انگلستان در صنعت نفت بر ایران وارد می‌کرد، با تلاش‌های محمد مصدق در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ نفت ایران ملی گردید. به دنبال آن استعمارگران نفت ایران را تحریم کردند و مصدق را که توانسته بود، ظرف چند سال مملکت را بدون نفت اداره و شاخص‌های اقتصادی آن را توسعه دهد، در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برکنار و با قرارداد کنسرسیوم در سال ۱۳۳۳ موفق شدند، همچنان ۵۰ درصد از سود نفت ایران را به خود اختصاص دهند. تنها از سال ۱۳۵۲ بود که دست استعمارگران از درآمدهای نفتی ایران کوتاه گردید (احمدی، ۱۳۹۲: ۲۶۸). با این تفصیل، در یک دوره طولانی مدت (۷۳-۱۹۰۸) بخش بسیار بزرگی از درآمد نفت ایران به جای سرمایه‌گذاری در توسعه صنعت ایران، به جیب کشورهای بزرگ استعمارگر واریز گردید.

### بی‌ثباتی‌های سیاسی

در قرن هیجدهم که تحولات صنعتی در اروپا در حال شکل‌گیری بود، در ایران رشته‌ای طولانی و پیوسته از ناآرامی‌ها در حال وقوع بود. محمود افغان در سال ۱۷۲۲ ایران را تصرف کرد که با خرابی‌های گسترده‌ای همراه بود. به دنبال آن، ناآرامی‌های سراسری مملکت را فراگرفت و حتی امپراتوری عثمانی و روسیه نیز تجاوزاتی به ایران انجام دادند. نادر شاه افشار در سال ۱۷۳۶ افغان‌ها را بیرون راند و طی دوازده سال حکومت، جنگ‌های گسترده‌ای نه تنها برای باز پس‌گیری مناطق جدا شده از ایران بلکه برای کشورگشایی به راه انداخت. پس از قتل نادر جنگ‌های داخلی ایران گسترده‌تر شد و هر کس در گوشه‌ای از کشور ادعای حکومت می‌کرد. پس از چند سال آشوب، کریم‌خان زند با غلبه بر دیگران در سال ۱۷۵۰ قدرت را به دست گرفت. پس از مرگ کریم‌خان در سال ۱۷۷۹ هرج و مرج‌ها تشدید گردید. کنسول فرانسه در بصره در نامه‌ای در سال ۱۷۸۱ می‌نویسد، سالنامه وقایع ایران پر است از توطئه و جنایت و قتل. این وقایع تأثیرآور به قدری برای بشریت دردناک است که حیف است در تاریخ ضبط گردد و

بهتر است برای ابد مجهول بماند. از سال ۱۷۲۲ تا امروز می‌توان بیش از سی پادشاه جبار و ستمگر را نام برد که به نوبت بر این کشور تیره روز سلطنت کرده و آن را ویران کرده‌اند (نوذری، ۱۳۸۱: ۳۴۳). با مرگ کریم‌خان، آقا محمدخان قاجار پس از نزدیک به بیست سال جنگ و خونریزی داخلی، زمام امور را به دست گرفت و در دو سال حکومتش نیز چندین جنگ انجام داد و کشتارهای وسیعی به راه انداخت. جانشین او فتحعلی‌شاه نیز مدت‌ها درگیر جنگ‌های داخلی بود (کوزنتسوا، ۱۳۸۳: ۲۹). سپس طی سال‌های ۱۳-۱۸۰۳ و ۲۸-۱۸۲۶ درگیر جنگ با روسیه گردید که ایران در هر دو جنگ به سختی شکست خورد و مجبور به پرداخت غرامت‌های سنگینی گردید. دوره حکومت محمد شاه نیز که تا ۱۸۴۸ ادامه یافت، عمدتاً به دفع کشمکش‌ها و مسائل داخلی گذشت (کوزنتسوا، ۱۳۸۳: ۳۴). حتی در دوره حکومت طولانی ناصرالدین شاه نیز که به ظاهر توأم با آرامش است، حداقل ۱۶۹ شورش و قیام مسلحانه صورت گرفت (اشرف، ۱۳۵۹: ۴۰). اگر چه جنگ‌های داخلی و خارجی در دوره‌های بعد نیز کم و بیش بر رشد و توسعه بخش صنعت تأثیر منفی گذاشتند، اما به نظر می‌رسد تا نیمه قرن نوزدهم از عوامل مهم صنعتی نشدن کشور است، زیرا صنعتی شدن مستلزم سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت در سایه امنیت ملی است و جنگ و ناآرامی‌های داخلی، این امر را امکان‌ناپذیر می‌سازد. فریزر<sup>۱</sup> که در اوایل دوره قاجار وضعیت ایران را از نزدیک شاهد بوده است، می‌نویسد مانع عمده بهبود و رونق ایران، ناامنی جان و مال و ناموس مردم است. این وضع همواره مانع کوشش‌های مردم در راه تولید صنعتی است، زیرا هیچ کس دست به تولید کالایی نخواهد زد که ساعتی بعد از چنگش به در برند (اشرف، ۱۳۵۹: ۳۸).

### عدم رشد بورژوازی

انقلاب صنعتی در اروپا اساساً به دست بورژواها شکل گرفت. از اواسط قرن نوزدهم و به دنبال به رسمیت شناخته شدن مالکیت خصوصی زمین (کوزنتسوا، ۱۳۸۳: ۶۵)، ضعف حکومت‌های مرکزی، و نیز رخنه سرمایه‌داری صنعتی اروپایی، زمینه برای رشد بورژوازی در ایران فراهم گردید و شمار صاحبان ثروت‌های میلیونی در ایران افزایش یافت. به طوری که دارایی و ثروت

تجار و سرمایه‌دارانی مانند خانواده حاج امین الضرب به بیش از ۲۵ میلیون تومان بالغ می‌گردید(عبدالله اف، ۱۳۵۶: ۸). سرمایه‌داران ایرانی از اواخر قرن نوزدهم در زمینه تأسیس صنایع، فعالیت‌های وسیعی را آغاز کردند. این حرکت نویدبخش تحولی عظیم در بخش صنعت بود اما عدم حمایت دولت از سرمایه‌داران ایرانی(سیف، ۱۳۷۳) از یک سو و تحمیل فشارهای ظالمانه بر آنان(اشرف، ۱۳۵۹: ۳۹) از سوی دیگر، باعث گردید این حرکت، خیلی زود متوقف شود و سرمایه‌داران ایرانی عمدتاً به سمت کشاورزی و فعالیت بازرگانی با مرکزیت بازار روی آورند. مثلاً در دوره قاجار در اقدامی عجیب، تجار و سرمایه‌داران ایرانی مجبور به پرداخت عوارض گمرکی و راهداری بیشتری نسبت به همتایان خارجی خود بودند. به گونه‌ای که سرمایه‌دار ایرانی در انتقال کالای خود از تبریز به تهران مجبور بود در ۵ نقطه و در انتقال کالا از رشت به بوشهر در ۱۴ نقطه، عوارض پردازد که گاهی جمع این عوارض به ۱۲ درصد کل قیمت کالا می‌رسید(دهقان‌نژاد، ۱۳۷۴: ۱۶۴). پولاک<sup>۱</sup> پزشک اتریشی که برای تدریس در دارالفنون به ایران آمده بود می‌نویسد، اگر یک نفر ایرانی که سر رشته‌ای در شیمی دارد و یا از بعضی از عناصر سر در می‌آورد، شروع به بهره‌برداری از معدنی کند، به محض اینکه معدن رو به بهره‌برداری برود از طرف دولت غصب می‌گردد(وطن‌خواه، ۱۳۸۰: ۱۲۳ و عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۲۰). گاردان<sup>۲</sup> نیز در نامه‌ای که در ۱۹۰۸ به وزیر امور داخله انگلستان می‌نویسد، پس از ذکر نام برخی از تجار ثروتمند و مشهور ایرانی اضافه می‌کند، همه اینها از ترس دربار، کالاهای خود را مخفی کرده و وانمود به فقر و افلاس می‌کنند. آنها مخصوصاً از احضار به تهران می‌ترسند، چون می‌دانند در آن جا مجبور خواهند بود مبلغ گزافی به دربار پردازند(وطن‌خواه، ۱۳۸۰: ۱۲۲). با این تفاسیل، بورژوازی ایران در دوره قاجار علیرغم تمایل به سرمایه‌گذاری و تولید در بخش صنعت، که نمود آن را می‌توان در نامه محمدحسن امین الضرب به ناصرالدین شاه یافت، امکان فعالیت نیافت. در دوره پهلوی اول به ویژه از سال ۱۳۱۲ به بعد، به دلیل حاکمیت همه جانبه دولت، قدرت طبقات زمین‌دار و بازرگان محدودتر گردید(کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۳) و بورژوازی ایران همچنان نادیده انگاشته شد. در دوره پهلوی دوم به دنبال اصلاحات ارضی، افزایش

---

۱-J.E.Polak

۲-Gardan



درآمدهای نفتی، افزایش بی‌سابقه واردات، و تشویق دولت به سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، یک طبقه جدید سرمایه‌دار شکل گرفت که به شرکت در برنامه صنعتی کردن کشور علاقمند بود. اما ویژگی اساسی آن این بود که به سرمایه‌های دولتی و سیاست‌های دولتی وابسته بود. به علاوه بورژوازی ایران سرمایه‌های خود را در بخش‌هایی از اقتصاد که سرمایه کمتری می‌خواست، مانند خانه‌سازی و صنایع کوچک متمرکز کرده و فعالیت‌های مهم را به دولت واگذار کرده بود (هالیدی، ۱۳۵۸: ۱۶۰). رشد ثروت و قدرت طبقه جدید به زودی باعث نگرانی دولت شد و طی اقداماتی تلاش گردید از گسترش آن جلوگیری شود. در دوره پس از انقلاب نیز به ویژه در اوایل انقلاب، سرمایه‌داری به دلیل فضای حاکم بر جامعه، بار ارزشی منفی یافت. نظام جدید سیاسی در همان روزهای اول انقلاب نشان داد که سرمایه‌داری را نمی‌پسندد. به گونه‌ای که در همان ماه‌های اول انقلاب، بر اساس قانون حفاظت و توسعه صنایع مصوب تیر ماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب، دارایی (۵۱ نفر از سرمایه‌داران بزرگ، ملی اعلام شد) (ازغندی، ۱۳۷۲: ۱۲۸) و دولت به زودی حوزه‌های مهم صنعتی را زیر سلطه خود درآورد و عملاً سرمایه‌داری ایران نتوانست نقشی فعال در رونق بخشی به صنعت کشور ایفا نماید.

### وابستگی به مواد اولیه

عدم حمایت دولت از بورژوازی و عدم امنیت سرمایه‌های صنعتی آنان در اواخر دوره قاجاریه از یک سو و تقاضای انگلستان و روسیه برای مواد اولیه و کشاورزی ایران، از سوی دیگر باعث شد سرمایه‌داران ایرانی صلاح را در آن ببینند که حجم قابل توجهی از سرمایه‌های خود را به بخش کشاورزی منتقل کنند. به تدریج، تهیه و تأمین مواد اولیه رواج یافت و ایران به صدور محصولات کشاورزی اشتهار یافت. در سال ۱۸۸۰ ترکیب کالاهای صادراتی ایران شامل ابریشم ۱۸ درصد، منسوجات نخی و پشمی ۱ درصد، غلات ۱۶ درصد، میوه‌جات ۶ درصد، تنباکو ۵ درصد، پنبه ۷ درصد، تریاک ۲۶ درصد، فرش ۴ درصد و موارد متفرقه ۱۷ درصد بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۳۸). اما از سال ۱۹۰۱ پدیده‌ای نو در ایران ظهور کرد که در دهه‌های بعد تقریباً بر همه جنبه‌های اقتصاد ایران سایه افکند. در این سال امتیاز بهره‌برداری از منابع نفتی ایران به مدت ۶۰ سال به یک نفر انگلیسی به نام ویلیام ناکس داری و واگذار گردید و در ازای آن مقرر گردید ۱۶ درصد از منافع خالص، ۲۰ هزار لیره به صورت پیش پرداخت و ۲۰ هزار لیره به

صورت نقد، به دولت ایران پرداخت شود. در سال ۱۹۰۳ شرکت بهره‌برداری اولیه تأسیس و در سال ۱۹۰۸ نخستین چاه نفتی در مسجد سلیمان به نفت رسید. با آشکار شدن منابع عظیم نفتی در ایران، شرکت نفت انگلیس و ایران در سال ۱۹۰۹ در لندن ایجاد شد و دولت انگلیس در سال ۱۹۱۴ با خرید بخش عمده سهام شرکت نفت انگلیس و ایران، نفت ایران را تحت کنترل خود درآورد. از دهه ۱۲۹۰ شمسی به تدریج فروش نفت به بخش مهمی از منابع درآمدی دولت تبدیل شد. میزان درآمد دولت ایران از فروش نفت از ۴۷۰ هزار لیره در سال ۱۲۹۸ به ۴ میلیون لیره در سال ۱۳۲۰، ۱۶ میلیون لیره در سال ۱۳۲۹، ۲۹۱ میلیون دلار در سال ۱۳۴۰، ۲۰/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۵ و ۷۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۵ رسید (احمدی، ۱۳۹۲: ۲۶۳). این درآمد هنگفت خدادادی که مستلزم کمترین کار و تلاش ممکن است از یک سو و تمرکز آن در دست دولت‌ها که عمدتاً در راستای اهداف بیشتر شخصی خود به مصرف می‌رسانند از سوی دیگر، باعث گردید توسعه بخش صنعت ضرورت نداشته باشد. دولتی که بیش از سه چهارم هزینه‌هایش از طریق فروش بی‌دردسر نفت به دست می‌آید، طبیعتاً ضرورتی حس نمی‌کند که خود را برای صنعتی شدن کشور به آب و آتش بزند.

### واردات بی‌رویه

واردات بی‌رویه، همواره ضربات سختی بر صنعت ایران وارد کرده است. ابوت<sup>۱</sup>، کنسول بریتانیا در ایران، در حدود سال‌های ۱۸۴۴ گزارش می‌کند، تجار و صنعت‌گران ایرانی نامه‌های متعددی به محمدشاه نوشتند و از او خواستند، ورود کالاهای خارجی را به خاطر لطمه‌ای که به تولیدات داخلی می‌زند، ممنوع کند، ولی او هیچگاه به آنها پاسخی نداد (سیف، ۱۳۷۳: ۳۱۲). واردات بی‌رویه کالاهای خارجی به زودی منجر به نابودی کارگاه‌ها و صنایع کشور در دوره قاجار گردید. به عنوان مثال، شهر اصفهان در دوران حکومت فتحعلی‌شاه ۱۲۵۰ کارگاه کوچک و بزرگ برای تولید پشم داشت. این مقدار در طول سلطنت محمدشاه به ۴۸۶ کارگاه و در اواخر دهه ۱۸۷۰ به ۱۲ کارگاه تنزل یافت (عیسوی، ۱۳۶۲). در اواسط قرن نوزدهم، امیرکبیر با درک پیامدهای زیانبار واردات بی‌رویه کالاهای خارجی، مخالف تبدیل ایران به بازار فروش کالاهای

خارجی بود. واردات بی‌رویه کالا به ایران در دوره‌های بعد نیز با اندکی استثنا در دوره پهلوی اول، همچنان تداوم یافت. میزان واردات ایران از ۶۳۱ میلیون ریال در سال ۱۳۱۰ به ۱۰۵ میلیون دلار در سال ۱۳۳۲، ۲۴/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ و ۷۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۶ رسید. کالاهای وارداتی به ایران عمدتاً مصرفی و واسطه‌ای بوده و سهم کالاهای سرمایه‌ای که نشانه توسعه صنعتی است، همواره پایین بوده است (رزاقی، ۱۳۸۱: ۲۴۴). در سال ۱۳۰۰ تقریباً همه کالاهای وارداتی، مصرفی و واسطه‌ای بودند (رشیدی، ۱۳۷۹: ۱۹۱). سهم کالاهای وارداتی سرمایه‌ای در سال ۱۳۵۵، ۲۹/۸ درصد، در سال ۱۳۶۵، ۲۳/۵ درصد، در سال ۱۳۷۵، ۲۵/۲ درصد و در سال ۱۳۸۶، ۱۸/۵ درصد کل واردات بوده است (احمدی، ۱۳۹۲: ۲۶۴). واردات کالاهای مصرفی، امکان توسعه صنایع داخلی را از بین می‌برد و کالاهای واسطه‌ای نیز عمدتاً به ایجاد صنایع وابسته منجر می‌شوند.

### تداوم سیاست جانشینی واردات

از زمان پهلوی اول سیاست جانشینی واردات، در راستای کاهش واردات و حمایت از صنعت داخلی مطرح گردید. این سیاست در دوره پهلوی دوم و انقلاب اسلامی نیز همچنان تداوم یافت اما هیچگاه تبدیل به استراتژی توسعه صادرات نگردید. سیاست جایگزینی واردات اگر تبدیل به توسعه صادرات نگردد، اساساً مانع از حضور در تجارت بین‌المللی می‌شود و به عنوان سیاست ضد تجارت معروف است (نونزاد، ۱۳۸۴: ۱۸۶). در برخی کشورها مانند کره جنوبی، سنگاپور و برزیل، تبدیل سیاست جایگزینی واردات به توسعه صادرات، با موفقیت صورت پذیرفت و بخش صنعت این کشورها به توسعه قابل توجهی دست یافتند (ادواردز، ۱۳۷۷: ۲۳۶). اما تداوم سیاست جایگزینی واردات و ناتوانی دولت‌ها در دست برداشتن از حمایت از صنایع داخلی با هدف توسعه صادرات، باعث گردید صنایع ایران فاقد کیفیت بوده و قادر به رقابت با صنایع خارجی نباشند.

### ناتوانی در جذب سرمایه‌های خارجی

از اوایل قرن بیستم، استفاده از سرمایه‌های خارجی یکی از راه‌های عمده توسعه بخش صنعت بوده است. علیرغم تصویب و اجرای قانون ثبت شرکت‌ها و قانون تجارت در دوره پهلوی اول،

موفقتی در جذب سرمایه‌های خارجی به دست نیامد. در دوره پهلوی دوم با تصویب نهایی قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۳۵ به تدریج جذب سرمایه‌های خارجی افزایش یافت. میزان سرمایه‌گذاری خارجی در بخش صنعت ایران در سال‌های ۴۶-۱۳۴۲ جمعاً ۴۲/۵ میلیون دلار، در سال‌های ۵۱-۱۳۴۷ در حدود ۱۴۲/۵ میلیون دلار و بالاخره در سال‌های ۵۶-۱۳۵۲ نزدیک به ۳۶۲ میلیون دلار بوده است (رحیمی‌فر، ۱۳۸۱: ۴). اما میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی اولاً، بسیار کمتر از رقم پیش‌بینی دولت بود، مثلاً که دولت پیش‌بینی کرده بود تنها در سال‌های ۵۱-۱۳۴۷ نزدیک به ۳/۰۴ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کند که بسیار فراتر از رقم جذب شده واقعی بود. ثانیاً، سهم سرمایه‌گذاری‌های خارجی از کل سرمایه‌گذاری صورت گرفته، بسیار کم و بین نیم درصد تا یک و نیم درصد بود که این امر بیانگر سیاست‌گذاری‌های نامناسب دولت در جذب سرمایه خارجی است (احمدی، ۱۳۹۲: ۲۶۵). سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران پس از پیروزی انقلاب به شدت کاهش یافت. به صورتی که در فاصله سال‌های ۷۲-۱۳۵۷ عملاً هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری خارجی قابل توجهی در کشور صورت نگرفت (رحیمی‌فر، ۱۳۸۱: ۱۶). مهمترین دلیل این امر تردید سرمایه‌گذاران خارجی در امنیت سرمایه‌گذاری در ایران و بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری (سیم‌بر، ۱۳۸۲: ۱۹۳) و تنش سیاسی با کشورهای بزرگ و پیشرفته است.

### بالا بودن هزینه‌های نظامی

کشورهای مختلف برای تأمین امنیت خود، بخشی از درآمدشان را به امور نظامی اختصاص می‌دهند. در دوره پهلوی اول، هزینه‌های نظامی به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. به گونه‌ای که هزینه‌های وزارت جنگ به تنهایی بیش از ۴۰ درصد کل بودجه کشور را در بر می‌گرفت (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۵۸). طی سال‌های ۱۲-۱۳۰۷ سهم وزارت جنگ بالغ بر ۹۸۰ میلیون ریال و سهم وزارت صنایع و معادن تنها ۵۴ میلیون ریال بود. نظامی‌گری در دوران پهلوی دوم نیز به ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ابعادی وسیع‌تر تداوم یافت و سهم زیادی از درآمدهای کشور به جای استفاده در بخش صنعت به بخش نظامی انتقال یافت. هزینه‌های نظامی کشور از ۶۷ میلیون دلار در سال ۱۳۳۲ به ۸۴۴ میلیون دلار در سال ۱۳۴۹ و ۹/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسید. در برنامه پنجم توسعه کشور (۵۶-۱۳۵۲) سهم هزینه‌های نظامی از کل بودجه

به طور میانگین ۳۱ درصد بود. ایران در این سال‌ها به اندازه چین و هشت برابر عراق هزینه نظامی داشت (هالیدی، ۱۳۵۸: ۷۹) و ارتش ایران با ۴۱۳ هزار نفر نیروی نظامی زیر پرچم، پنجمین ارتش بزرگ جهان بود. در سال‌های پس از انقلاب، نخست سیاست محدود کردن ارتش به کار گرفته شد اما با حمله عراق به ایران، هزینه‌های نظامی دوباره افزایش یافت. پس از پایان جنگ، بازسازی ارتش و تجهیز سپاه، رشد جهشی هزینه‌های نظامی ایران را موجب شد، به گونه‌ای که سهم امور دفاعی در برنامه پنج ساله اول (۷۲-۱۳۶۸) نزدیک به ۳۲ درصد و میزان آن در برنامه پنجساله پنجم (۹۶-۱۳۹۲) در حدود ۲۸ درصد است (احمدی، ۱۳۹۲: ۲۶۶).

### بحث و نتیجه‌گیری

یکی از اساسی‌ترین سؤالات در محافل علمی و عمومی ایران این است که چرا این کشور علی‌رغم تلاش‌های طولانی مدت نتوانسته است به توسعه صنعتی دست یابد؟ این پرسش - با تأکید بر توسعه اقتصادی - از منظرهای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با تمرکز بر دوره تاریخی شکل‌گیری انقلاب صنعتی در نیمه دوم قرن هیجدهم به این سو تلاش کرده است موانع توسعه صنعتی ایران را تبیین کند. یافته‌های تحقیق بیانگر این هستند که بخش مهمی از توسعه‌نیافتگی صنعتی ایران ریشه در عوامل خارجی دارد. سطره دولت‌های استعمارگر بر اقتصاد ایران در قرن نوزدهم باعث گردید، امکان فعالیت سرمایه‌داران ایرانی در حوزه‌های مهم صنعتی به دلیل حقوق انحصاری محدود شود، صنایع داخلی به ویژه صنعت دستی به دلیل عدم توانایی در رقابت، در معرض نابودی قرار گیرد، اقتصاد کشور به سمت تولید مواد اولیه و خام سوق داده شود و بالاخره اینکه کشور در یک دوره بلندمدت (۱۹۷۳-۱۹۰۸) از دریافت بخش قابل توجهی از درآمدهای نفت خود محروم گردد. یافته‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهند، اگر چه نقش دولت‌های استعماری در توسعه‌نیافتگی صنعتی کاملاً محرز است اما پازل توسعه‌نیافتگی صنعتی ایران اساساً توسط موانع داخلی تکمیل می‌گردد. اگر چه بی‌ثباتی‌های بلندمدت سیاسی در ایران در بحبوحه انقلاب صنعتی، ریشه در عامل فرهنگی عدم درک منافع ملی دارد اما بخش اعظم موانع داخلی توسعه صنعتی ایران، مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از سیاست‌گذاری‌های نامناسب دولت‌هاست. فقدان برنامه جهت کمک به رشد بورژوازی به عنوان یک نیروی مؤثر در توسعه صنعتی، اتکاء به مواد اولیه به ویژه درآمدهای بی‌دردسر نفت،

واردات بی‌رویه کالاهای مصرفی و واسطه‌ای، اصرار بر سیاست جانشینی واردات کالا، ناتوانی در جذب سرمایه‌های خارجی و هزینه‌های بالای نظامی، نمودهای بارز این امر می‌باشند. با این تفصیل، همچنانکه لفت ویچ (۱۳۷۸) خاطر نشان می‌سازد، توسعه‌نیافتگی صنعتی ایران می‌تواند ناشی از عدم وجود یک عزم راسخ در دولت‌ها برای توسعه صنعتی کشور باشد. یافته‌های تحقیق همچنین بیانگر این هستند که اگر چه اشتباهات تاریخی قاجارها زمینه‌ساز توسعه‌نیافتگی صنعتی ایران گردید اما نمی‌توان توسعه‌نیافتگی صنعتی ایران را صرفاً به قاجارها منتسب کرد. در قرن هیجدهم تنها کشور صنعتی جهان، انگلستان بود اما به تدریج بر شمار کشورهای صنعتی افزوده گردید. حتی در سال‌های پایانی قرن بیستم، چندین کشور عملاً صنعتی شدند و اکنون نیز شماری دیگر از کشورها در آستانه صنعتی شدن قرار گرفته‌اند. این امر بیانگر این است که شانس صنعتی کردن ایران برای دولت‌های پس از قاجار نیز کم نبوده است و سوق دادن اقتصاد کشور به سمت درآمدهای نفتی، واردات بی‌رویه، ناتوانی در تبدیل سیاست جانشینی کالا به سیاست تشویق صادرات، ناتوانی در جذب سرمایه‌های خارجی و هزینه‌های بالای نظامی به عنوان موانع داخلی توسعه صنعتی، ربطی به قاجارها ندارد.

## منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۶)، *مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نشر شیرازه.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵)، *امیرکبیر و ایران*، تهران، انتشارات خوارزمی.
- احمدی، سیروس (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی صنعتی*، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- ادواردز، کریس (۱۳۷۷)، *صنعتی شدن در کره جنوبی*، در صنعتی شدن و توسعه، تام هیویت، ترجمه طاهره قادری، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۲)، *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)*، تهران، انتشارات سمت.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*، تهران، انتشارات زمینه.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۶)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، انتشارات سمت.
- دهقان‌نژاد، مرتضی (۱۳۷۴)، برخی موانع تاریخی توسعه در ایران با تأکید بر دوره قاجار، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، شماره هفتم.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۴)، *ما چگونه ما شدیم؟ ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران*، تهران،

- نشر روزنه.
- رحیمی فر، مه‌ری (۱۳۸۱)، بررسی عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی در ایران طی سال‌های ۸۱-۱۳۵۵، **مجله اقتصادی**، دوره دوم، سال دوم، شماره پانزدهم.
  - رزاقی، ابراهیم (۱۳۸۱)، **آشنایی با اقتصاد ایران**، تهران، نشر نی.
  - رشیدی، علی (۱۳۷۹)، توسعه صنعتی ایران، تجربه گذشته و افق آینده، **مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی**، خرداد و تیر، شماره ۱۵۴-۱۵۳.
  - سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۷۶)، **روش‌های تحقیق در علوم رفتاری**، تهران، نشر آگه.
  - سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۷۴)، **اقتصاد سیاسی ایران**. تهران، پژوهشکده جامعه‌پژوهی و برنامه‌ریزی المیزان.
  - سیم‌بر، فرشید (۱۳۸۲)، علل جذب نشدن سرمایه‌گذاری خارجی و ناتوانی‌های موجود در جلوگیری از فرار سرمایه، **مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۱۹۴-۱۹۳.
  - سیف، احمد (۱۳۷۳)، **اقتصاد ایران در قرن نوزدهم**، تهران، نشر چشمه.
  - عبدالله اف، ز. (۱۳۵۶)، طبقات بورژوا و کارگر در ایران در اوایل قرن بیستم، ترجمه حسین ادیبی، **مجله نامه علوم اجتماعی**، شماره ۷، صص ۳۲-۳.
  - عظیمی، حسین (۱۳۷۱)، **مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران**، تهران، نشر نی.
  - علمداری، کاظم (۱۳۸۵)، **چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟**، تهران، نشر توسعه.
  - عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، **تاریخ اقتصادی ایران**، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات گستره.
  - کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۷)، **اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی**، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
  - کوزنتسوا، آ.، کولاگینا، م.م، ترویتسکوی، و.و. (۱۳۸۳)، **پژوهش‌هایی در تاریخ نوین ایران**، ترجمه سیروس ایزدی و میترا ایزدی، تهران، نشر ورجاوند.
  - گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس (۱۳۸۶)، **روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی**، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
  - لغت ویج، آدریان (۱۳۷۸)، **دمکراسی و توسعه**، ترجمه افشین خاکباز و احد علیقلیان، تهران، انتشارات طرح نو.
  - لهسایی‌زاده، علی؛ عبداللهی، محمد (۱۳۸۱)، **جامعه‌شناسی جهان سوم**، شیراز، انتشارات نوید.
  - نودری، عزت‌الله (۱۳۸۱)، **تاریخ اجتماعی ایران**، تهران، انتشارات خجسته.
  - نونزاد، مسعود (۱۳۸۴)، کارکرد سیاست جایگزینی واردات در بخش صنعتی ایران، **مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۲۲۲-۲۲۱.
  - وطن‌خواه، مصطفی (۱۳۸۰)، **موانع تاریخی توسعه‌نیافتگی در ایران**، تهران، سازمان چاپ و

انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- هالیدی، فرد (۱۳۵۸)، **دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران**، ترجمه فضل‌الله نیک آیین، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- Hedley, R., A.(2000), Industrialization in Less Developed Countries, In *Encyclopedia of Sociology*, Edited by: Borgatta, E. G., Montgomery, R. New York, Macmillan Press, PP1316-1324.
- Kitching, G.(1982), *Development and Under Development in Historical Perspective*, London, Methuen.
- Banani, A.(1961), *The Modernization of Iran*, Stanford, Stanford University Press.
- Rostow, W.(1960), *The Stage of Economic Growth*, New York, Cambridge University Press.
- United Nations Development Programme(UNDP)(2012), *Human Development Report*, Oxford, Oxford University Press.